

## قسمت چهاردهم



حجۃ‌الاسلام والملمین  
طاهری خرم‌آبادی



# جهادِ قرآن

## امدادهای غیبی در جهاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

می‌شود و عالم طبیعت و ماده، محدود به زمان و مکان و ابعاد دیگر است، عالم قوedo استعداد است، عالم حرکت و تکامل است. ولی عالم غیب و موجودات غیبی، بروز از این ابعاد و محدودیتها هستند که چه آنها هم محدود بحد امکانی می‌باشند و آن موجودی که حد ندارد و واقعیت مطلق و کمال مطلق است و سرجشمه همه این واقعیتهای مادی و غیر مادی است، خداوند است.

براین اساس، انسان محدود به ابعاد مادی و محصور در چهار چوب زمان و مکان با حس محدود خود نمی‌تواند غیب و نهان

از نظر فلسفه الهی و مکتب‌های آسمانی مسلم و واضح است که هستی و واقعیت، منحصر به واقعیت‌های مادی و طبیعی نیست، برخلاف فلسفه مادی که واقعیت را مساوی‌بما ماده می‌دانند و چیزی غیر از قوا و عوامل طبیعی و موجودات مادی را ثابت و واقعی نمی‌دانند.

از نظر مکتب‌های مادی، جهان و هستی غیب و شهودی ندارد و عالم غیب و نهان بدین معنی مفهوم صحیحی نخواهد داشت ولی از نظر مکتب‌های الهی، هستی و واقعیت به دو عالم غیب و شهادت، نهان و آشکار، طبیعت و ماوراء طبیعت تقسیم

یکی از مباحث مهم قرآن در آیات جهاد نصرت الهی و امدادهای غیبی است که با شرائطی شامل رزمندگان و مجاهدین میگردد قبل از آنکه به بررسی این آیات بپردازیم لازم است پیرامون عوامل غیبی بحثی کوتاه عوام کنیم:

غیب، یعنی نهان و آنچه از حواس ظاهری ما مستور است، و در مقابل آن شهود و با شهادت، یعنی آنچه که برای ما قابل درک با حواس ظاهری است، قرآن این دو کلمه را در مقابل هم قرار داده است: "عالم الغیب والشهاده".

جهان و عالم غیر محدود را درگ کند و  
برای درگ آن واقعیتها باید از ابزار عقل و  
وحی استمداد جوید.

پیامبران الهی وسیله اتحال عالم غیب  
و شهادتند، آنها آمدماند تا مردم را به  
عالم غیب و ماورای محسوسات و طبیعت،  
راهنمانی کنند و مردم مومن به غیب شوند  
و میان آنان غیب جهان رابطه برقرار  
سازند ولذا در قرآن ایمان به غیب بعدها  
یکی از برجسته‌ترین ویژگیهای مردم مومن  
و باتقوی معرفی شده است:

"...الذین يؤمنون بالغیب ويقیعون"  
الصلوة ... .

قرآن پر است از بیان حوادث و مسائلی که  
به غیب جهان بستگی دارد و با عوامل  
طبیعی توجیه‌پذیر نیست. معجزات انبیاء  
که قرآن موارد زیادی از آنها را ذکر نموده  
یکی از مواردی است که با عوامل و علل  
غیر طبیعی سروکار دارد، وجود ملائکه،  
جن، روح، عرش، کرسی، لوح، قلم،  
قبایل، عالم بزرخ، بهشت، جهنم و...  
عذابها و معنتی از موجودات غیری و نهانی جهان  
همه اینها از موجودات غیری و نهانی جهان  
هستی بشار می‌روند و قرآن از وجود آنها  
خبر می‌دهد.

گذشته از اینکه همه اشیا و موجودات از  
غیب سرچشمه می‌گیرند و از غیب مدد  
می‌باشد و سراسر عالم ماده و طبیعت پدیدهای  
است یافت شده از غیب، ومددی است غیری  
در زندگی بستر کاهی به یک سلسه مددهای  
غیری برمن خوریم که بشر مورد عنایت و  
لطف خاص خداوند واقع می‌گردد، البته  
این امدادها و عنایت‌های الهی گراف و  
بدون قید و شرط نیست و بر اساس لیاقت‌ها  
و فراهم ساختن شرائط، انسان مشمول

الطف خفیه پروردگار می‌گردد و در ظلمتها  
و تاریکیها و شدت‌ها و سختیها او را مدد  
می‌کند:

"والذین جاحدوا فی النہدیتم سلّتُهَا"  
آری، هدایت الهی و راه یافتن به راه  
خدا و صراط مستقیم و رسیدن به کوی مقصود  
مجاهده می‌خواهد و رایکان و مجانی  
نخواهد بود.

#### امدادهای غیری در جهاد:

از جمله این مددهای غیری، نصرت و  
باری خداوند است که بصورت‌های گوناگون و  
در صحنه‌برد حق علیه باطل شامل حال  
رزمدگان می‌شود و قوای غیری جهان به  
باری آنها می‌شتابند و پیروزی نصیب آنها  
می‌گردد.

قرآن، این مسئله را در ضمن متاجوز از  
۴۶ آیه بیان داشته است که بطور اجمالی،

این آیات به چند گروه تقسیم می‌شوند:

۱- آیاتی که از نصرت و باری الهی نام  
می‌برد و چگونگی آنرا بیان نموده است.

۲- آیاتی که از یک‌سلسله امدادهای  
غیری و تحویله و چگونگی آن نام می‌برد.

۳- آیاتی که به شرایطیاری و نصرت  
الهی اشاره نموده است.

اکنون به بیان هریک بطور اختصار

می‌پردازیم: انسان و مطالعات فرقی

#### آیات تجویی اول نتیجه

۱- "وَيَوْمًا ذَنَدَى مِنْ قَبْلِ فَاسْجَدْنَا

۲- "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

### از جمله مددهای غیری الهی، نصرت و باری

خداآند است که بصورت‌های گوناگون و در صحنه نبرد

حق علیه باطل، شامل حال رزمدگان می‌شود و پیروزی

نصیب آنها می‌گردد

له فنجیانه و اهله من المکرب العظیم ، و  
نصرت‌های من القوم الذين كذبوا بآياتنا انهم  
کانوا قوم سو' فاغرقتاهم اجمعین" . (۱)

- و نوح را یاد آور شو آنکه که از پیش،  
مارا خواند پس احابت نمودیم و او اهل شد  
از کرفتاری بزرگ نجات دادیم و پاریش  
نمودیم برقوئی که آیات ماران کذب نمودند  
براستی آنان قومی بد بودند پس همه شان  
را غرق نمودیم .

در این آیه به نصرت الهی نسبت به  
حضرت نوح تصریح شده است، نصرت خدا  
بصورت طوفانی سیمکن قوم نوح را غرق  
نموده .

دعائی که نوح از پیش داشته است آیه  
دیگر بدان اشاره می‌کند، آنچاکمی فرماید:  
"رب این مغلوب فانتصر" - ای خدای من !  
من معلوم ( و دشمن بوسن غالباً شده است )  
مرا باری نمای و در جای دیگریم کوید: "رب  
لاتذر علی الارض من الکافرین دهارا " (۲)  
خدای روزی زمین از کافرین کسی را باقی مکدار .  
۲ - "اَنَّا نَتَصَرَّ رَسُلُنَا وَالَّذِينَ اَنْتَوْفَنِي -  
الْحَيْوَانُ الدَّيْنَ وَيَوْمَ يَقُولُ الْاَشْهَادُ " (۳)  
ما هر آینه رسول‌نام و آنها که ایمان  
آورده‌اند را در زندگی دنیا و روزی که  
کواهان بیا می‌ایستند ( منظور روز قیامت  
است ) باری می‌کنیم .

این آیه با تأکید بعدو کلمه "انا" و "لام"  
که بر سر نتصر در آمده است و عدد قطعی به  
نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲ - "وَبِنَوْحًا ذَنَدَى مِنْ قَبْلِ فَاسْجَدْنَا

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۶ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۷ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۸ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۹ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۰ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۱ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۲ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۳ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۴ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۵ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۶ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۷ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۸ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۱۹ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۰ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۱ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۲ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۳ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۴ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۵ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۶ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۷ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۸ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۲۹ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۰ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۱ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۲ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۳ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۴ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۵ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۶ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۷ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۸ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۳۹ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۰ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۱ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۲ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۳ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۴ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۵ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۶ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۷ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۸ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۴۹ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۰ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۱ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۲ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۳ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۴ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۵ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۶ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۷ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۸ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۵۹ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۶۰ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۶۱ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

۶۲ - "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولاً إِلَيْ

نصرت انبیاء و مومنین در این دنیا مهدد .

قومهم فجاوَهُم بالبيئات فانتقموا من الذين  
اجرواً وَلَانَ حَقًا عَلَيْنَا نَصْرًا لِّلْمُؤْمِنِينَ" (٤)

- همانا فرستادیم قبل از تو رسولانی  
بسی قوم خود پس آمدند بسوی آنان با  
معجزات (عدهای ایمان آوردن و عدهای  
 مجرم و عاصی گردیدند) پس انتقام کرفتیم  
از مجرمین ولازم است بر ما نصرت و باری  
مومنین.

٤ - "إِنَّ يَنْصُرُكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ  
إِنْ يَخْذُلُكُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِّنْ بَعْدِهِ وَ  
عَلَى اللَّهِ فَلَيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ" . (٥)

- اگر خدا شما را باری کند بر شما کسی  
غالب نخواهد شد و اگر رها سازد شما را  
بس کیست که پس از او شما را باری کند و  
مومنین باید بر خداوند توکل نمایند.

٥ - "وَلَقَدْ مَنَّا عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ وَ  
نَجَّانَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِّنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَ  
نَصَرَنَا هُمْ فَلَمَّا تَوَكَّلَ الْغَالِبُونَ" . (٦)

- ما بر موسی و هارون منت گذاردیم و  
آنان و قومشان را از گرفتاری بزرگ نجات  
بخشیدیم و باری نمودیم تا پس آنان بودند  
که پیروز شدند.

٦ - "وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلْمَتَنَا لِعِبَادَتِ  
الْمُرْسَلِينَ إِذْهُمْ لَهُمُ الْمُعْتَدِلُونَ وَإِنْ جَنَدُنَا  
لَهُمُ الْغَالِبُونَ" . (٧)

- همانا پیشی گرفت کلمه‌ها (حتمی است)  
برای بندگان مرسل ما که آنان حتی‌سازی  
شده هستند و لشکر ما حتی‌ غالبه و پیروزند  
منظور از "کلمه" حکم و قصای حتمی  
الله است که در حق رسولان خود صادر  
فرموده است و منظور از پیش فراردادن این  
قصای حکم که از آن تعبیر به "سبقت" شده  
است تقدم (پیش قرار گرفتن) زمانی نیست  
زیرا خداوند و فعل او محدود به زمان نیست  
بلکه منظور مقدم مودن این قضاوی حکم است  
از جهت نفوذ و غلبه و تاثیری که دارد بر  
غیر آن.

همچنین مطلب را با تاکید زیاد مطرح  
نموده است، کلمه ان ولازم در لهم و خود  
نکوار ضمیر (هم) (والقولام "در المنصورون"  
همه برای تاکید مقاد و مقصود در آیه است

حُبُكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ يَنْصُرُكَ وَ  
بِالْمُؤْمِنِينَ" . (١٠)

- اگر اراده نموده‌اند با تو نیرنگ‌نمایند  
پس خدا تو را کافی است، او است کنی که  
تو را با پاری خود و بوسیله "مومنین" ناید  
و تقویت نمود.

برای دقت بیشتر در آیه و بیان آن به  
آیه قبل از آن باید توجه داشت:

"وَإِنْ جَنَحُوا لِلتَّلَمُ ثَاجَنَحَ لَهَا وَتَوَكَّلْ  
عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ" .

یعنی اگر دشمن تعایل به صلح و مصالحت  
نمود تو هم میل بدان کن و بر خدا توکل  
نماید اگر او شنونده و آگاه است.

مقصود از آیه آن است که با توکل نمودن  
بر خدا و اعتماد بر او - با توجه باینکه او به  
هر چیزی آگاه و بصیر و شنونده است - دیگر  
تو را خوفی از اینکه حیله و مکری از ناحیه  
آنها بتو برسد و بادریوش مسلح غافلگیرانه  
هجوم آورند، نیست زیرا خداشی که بر همه  
چیز آگاه است و همچ چیز او را عاجزه  
غافلگیر نمی‌کند تو را کفایت می‌کند و توکل  
و اعتماد تو بر او است.

سین همین مطلب را در این آیه (آیه ٤٢)  
بابیان واضح‌تری بیان می‌فرماید که اگر  
اراده کنند که‌ما تو خدمع و نیرنگ نمایند  
زیر یوش مسلح ، خیانت کنند پس  
بدان که خدا تو را کفایت می‌کند زیرا ما تو  
را اعر به توکل نمودیم و نتیجه توکل بر خدا  
آن است که خدا متوكلن را کفایت نماید،  
چنانچه می‌فرماید.

"وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسِيبٌ إِنَّ  
اللَّهَ بِالْأَرْضِ أَمْرٌ قَدْ جَعَلَ لِلْمُرْسَلِينَ شَيْءًا أَقْدَرَ أَزْ(١١)  
البَشَرَهُمْ عَنْ تَوْكِلِ آنَ نَبَتَتْ كَهْ انسان  
اسباب ظاهری را رها کند و به آنها توسل  
نجوید و تلاش و پیکری نکند و اگر متلاذر  
برابر دشمن است تهیه قدرت و نیرنگ‌نماید،  
چه اینکه در آیه قبل از این (آیه ٤) امر  
به تهیه قدرت و نیرنگ در برابر دشمن  
می‌فرماید:

"وَاعْدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطٍ  
الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَ اللَّهِ وَعُدُوكُمْ . . . ."

بلکه دلالت بر حصر میکند و فقط آنها  
هستند که در نهایت پیروزند و در نتیجه،  
نصرت نمودن انبیاء یکی از مقدرات حتمی  
الله است. بعد می‌فرماید که لشکر ما هر  
آینه غالب خواهد بود. گروهیم فشدماهی  
که از فرمان واحدی پیروی کنند "جند"  
نامیده می‌شود و منظور در آیه، آن گروهی  
است که به امر و فرمان الله در راه اوجهاد  
می‌کنند، و در آیه دیگری با تعبیر دیگری  
این مطلب بیان شده است، می‌فرماید:

"فَإِنْ حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ" . (٨)

هانا حزب خدا غالب و پیروزند.  
در هر حال از این آیات استفاده می‌شود  
که هم انبیاء و هم پیروان آنها از مومنین  
که در راه او قدم بر می‌دارند پیروزند و  
مشمول نصرت الله هستند و نسبت دادن  
"جند" و "حزب" به الله ، کمال اهمیت  
و بزرگی این گروه را می‌رساند، یعنی اینها  
سیاه خدا و گروه خدا هستند نه سیاه و گروه  
این و آن، به او پیوسته‌اند و از او مدد و  
نصرت می‌گیرند و از او فرمان می‌برند و به  
او منکی و منصل‌اند، البته مادامی که جند  
الله و حزب الله باشند و به فرمان او عمل  
نمایند و در راه او مجاهده کنند نه آنکه اکاه که  
 فقط نامی از ایمان را دارا باشند و پیوست  
واقعی با خدا نداشته باشند.

٢ - "وَإِذْ كُرُوا إِذْ آتَنَّتُمْ قَلِيلًا مُّتَعَمِّلُونَ  
يُنِي الْأَرْضَ تَخَافُونَ آنَ يَتَخَطَّلُكُمُ النَّاسُ  
فَاوَاتُكُمْ وَآيَدُكُمْ مِّنْتَصِرُهُ وَرَزَقُكُمْ مِّنَ الطَّيَّابَاتِ  
لَعْلَكُمْ تَشْكُرُونَ" . (٩)

- به یاد آورید آنکه که شما در زمین  
اندک و مستضعف بودید و می‌ترسیدید که  
مردم شما را سرعت از هر طرف برایاند و از  
بین بیرون پس شما را خداوند ماوی و مسکن  
داد و با نصرت شما تقویت و تائید کرد.

در این آیه اشاره به صدر اسلام و زمانی  
که مسلمین در چنگال کفار قربیش بودند شده  
است و آنها را منذکر نعمت‌های الله - که  
از جمله آنها نصرت و باری آنها است -

نمایند تا ناید سپاسگار باشند.

٨ - "وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدُعُوكُمْ فَإِنَّ

مولانا "اقرار و اعتراف به ولایت خداوند می تبایند، از او می خواهند که مومنین را بر کفار باری فرماید یعنی نتیجه و مقتضای ولایت خداوند بر مومنین نصرت و باری او است.

از زبان لوط پیامبر قرآن نقل می کند:

"قال رب انصاری علی القوم المفسدين".

- خدا ایا مرا بر قوم مفسد باری فرما . (۱۴)

و از نوع پیغمبر حکایت می فرماید:

"قال رب ا نصرتی بما كذبون ". (۱۵)

و در آیدیگری خطاب بهم "مومنین می فرماید :

"ام حسیم ان تدخلوا الجندولما یاتکم

مثل الذين خلوا من قبلکم مستهم البابا و

القرا و زلزلوا حتى يقول الرسول والذين

امنوا مده متى نصر الله الا ان ننصر الله

قربیب ". (۱۶)

یعنی کسانی که دادن بپشت

می شود و حال آنکه نرسیده است بشما آنچه

را که به پیشینیان شما رسیده بود از شدتهاو

زیانها و آنان را اضطراب و وحشت فراگرفت

تا آنجا که رسول و آنها که با او بودند از

مومنین می گفتند پس کی نصرت و باری خدا

میرسد و آیا وقت آن نشده است که نصرت

اللهی شامل ما گردد؟ در جواب آنها گفته

شد آگاه باشید که نصرت خدا نزدیک است.

البته بحث در اطراف جملات آیه در

فصلهای بعد خواهد آمد ولی آنچه مناسب

با این بحث است اینست که مسئله نصرت و

باری خدا از مسائلی است که ام و اقوام

پیشی و انبیاء همه در انتظارش بوده اند که

در موضع حساس و شدتها آن را از خداوند

طلب می نمودند و این بدنهای وعدهای

بوده است که خداوند بهم رهروان راهش

و انبیاء و رسولانش داده است و فرموده است:

"ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین

اتهم لهم المنصورون " و گان حقا علينا

نصرالمومنین ".

۱۰ - آیاتی دیگر در قرآن می خوانیم که

خداوند را بنا صفت نصیر و مولا توصیف

می کند از قبیل آیه:

بقیه در صفحه ۵۳

قبیل داستان هجرت پیامبر و نزدیکشدن  
دشمن به غار نور و داستان بدر و احمدو...  
که در ضمن بعضی از آیات فرموده است:  
"اللَّاتُّنَصْرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ".

- اگر شما او را باری نکنید خداوند اورا  
باری کرده و می کند.

۹ - آیاتی چند در قرآن بیان کرد رخواست  
و دعای مردان مومن و مجاهدی است که  
خدا را به نصرت و باری طلبیده اند مانند  
آیات زیر:

"رَبَّنَا أَفْرَغْ عَلَيْنَا صَبَرًا وَتَبَّتْ أَقْدَامَنَا  
وَأَنْصَرْنَا عَلَى النَّقْوَمِ الْكَافِرِينَ". (۱۲)

- پروردگارا صبر را بر ما فرو فرست و ما  
رانابت قدم فرما و ما را بر قوم کافر بیرون  
گردان .

"وَكَانُتْ مِنْ نَبِيِّ فَاطِلَّ مَعَهُ رَبِيعَنَ كَثِيرٌ  
فَهَا وَهَنَئُوا إِلَيْا أَصَابِعُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا حَفَّوْا  
وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ، وَمَا كَانَ  
قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا أَغْيَرْ لَنَا دُنْوِنَا وَ  
إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَتَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَأَنْصَرْنَا  
عَلَى النَّقْوَمِ الْكَافِرِينَ". (۱۲)

- چه بسیار پیغمبری که همراه او مردانی  
اللهی و رجایی ریاضی فتال نمودند و در  
برابر محیط ها در راه خدا سقی نمودند  
وضعف و زیبی و تضرع و زاری نکردند و با  
صبر و شکیباتی مقاومت کردند ، خداوند  
هم صابرین را دوست دارد و سخنی نداشتند  
جز اینکه می گفتند ، خدا ای کنایان و  
اسرافهایی که نموده ایم در گذر و با رانابت  
قدم دار و بر قوم کافر باریمان ده .  
و در ضمن دعا و درخواستی که از مومنین  
در آخرین آیه از سوره بقره نقل می فرماید  
آمده است:

"أَنْتَ مُؤْلَأُ نَافَانْصُرَنَا عَلَى النَّقْوَمِ الْكَافِرِينَ"  
- خدا ایا تو ولی و سربرست ما هستی پس  
ما را بر قوم کافر باری فرما .

در اینجا با کلمه "فا کدبرسر" انصروا  
در آمده است مسئله نصرت و باری خدا  
بعنوان یکی از آثار و نتایج ولایت خداوند  
بیان شده است .  
بنابراین پس از آنکه با جمله "انت

و قهرا اگر معنی توکل این باشد که آدمی  
به اسباب ظاهری تن ندهد و اعتنا نکند با  
آیه قبیل تناقض و تناقضی خواهد داشت ، پس  
مراد از توکل آنست که سبب و علت را فقط  
در اسباب ظاهری نه بینند زیرا آنچه را اسباب  
و علل بر انسان آشکار است مقداری بسیار  
ناجیز است از علل و اسباب خفیه . و آن  
سبب نام و علت تامیعی که تحلف نایابیز  
است و معلول از آن جداییست هم اسباب و  
علل است که همراه با اراده خدا است ، بنا  
براین ، توکل اعتماد نمودن به مخدای بزرگ  
است که با خواست و اراده او ، اسباب و  
علل می گردد و موتور واقع می شود ، پس  
انسان متوكل کسی است که در عین حالیکه  
به سراغ همه اسباب و علل ظاهری و طبیعی  
می رود و به آنها دست می باید ولی تنها  
اعتمادش بر آنها نیست و می داند که اینها  
با اسباب و علل مخفی دیگری که وجود  
دارد - با اراده الهی - کارساز است و بدون  
اراده او اثر بخش نیست : " لا مُؤْلَأ  
في الوجود إلا الله ".

این آیات و دیگر آیات توکل ، خودگواه  
بسیار روشنی است بر اینکه غیر از اسباب  
ظاهری و عادی اسباب و علل دیگری هم  
وجود دارد که اگر این اسباب و علل ظاهری  
به انسان متوكل و مومن خیانت نمود ، اگر  
دشمن او را غافلگیر کرد و اگر نوطندها و  
نقشه های دشمن هم درست حساب شده  
باشد باز آن اسباب و علل مخفی الهی به  
باری این انسان متکی به خدا می شتابند و  
او را باری می کنند ، سپس برای اینکه دلیلی  
و برهانی روشن براین مدعی آورده باشد و  
کفایت و عنایت خداوند را در شرائط حساس  
مدلول سازد می فرماید :

"هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ".

یعنی او است که همیشه تو را با نصرت و  
باری خودش تائید و تقویت نموده است که  
این خود اشاره و توجیهی است به موارد  
امدادهای غیبی و نصرت های الهی که نسبت  
به رسول خدا (ص) شده است . و گویا  
اشارة است به جریانات و حواستان که شتعار

## دنیاله امدادهای غیبی

" وَإِنْ تُولِّوا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مُوْلَيْكُمْ نَعْمَ الْعَوْلَى وَنَعْمَ النَّصِيرَ " (۱۷)

آیه قبل از این آیه مردم را فرمان به قتال با کفار و مشرکین می‌دهد و می‌فرماید: " قاتلوهם حتی لا تكون فتنه و يكون الدين كله لله فان انتها فان الله بما يعلمون بصير " - با آنها بجنگید تا شرک و ضلالت ریشه کن شود و از میان بروند اکثر آنان از کفر دست برداشتند پس خداوند به آنچه را که عمل می‌کنند بصیر و آکاه است یعنی اعمال و افکار و عقائد آنها پوشیده از خداوند نیست و زیر نظر قرار دارند و راست و دروغ ایمان و نیاق آنها برای خدائیکه پاداش - دهنده اعمال است آشکار و معلوم است و اگر از کفر و الحاد دست برند استند و دین خدا را نپذیرفتند.

پس بدانید که خدا مولا و پشتیبان شما است و بپترین باری کننده است، یعنی از امتناع و سرخختی کفار بخود خوف و هراس راه ندهید و از عده و قدرت آنان نترسید و با آنها بجنگید و بدانید که خداوند شمارا باری می‌دهد و پیروز خواهید شد و در هر حال آیات در این مورد زیاد است و مسلمه نصرت الهی و امدادهای غیبی مخصوصاً جنگ حق علیه باطل، از مسائل مسلم فرقانی و اسلامی است.

- ۱ - سوره انساء، آیه‌های ۷۶ و ۷۷.
- ۲ - سوره سوچ، آیه ۲۷.
- ۳ - سوره مومن، آیه ۵۱.
- ۴ - سوره روم، آیه ۴۲.
- ۵ - سوره آل عمران، آیه ۱۵۰.
- ۶ - سوره صافات آیه‌های ۱۱۲-۱۱۳.
- ۷ - سوره صافات آیه‌های ۱۲۱-۱۲۲.
- ۸ - سوره مائدہ، آیه ۵۶.
- ۹ - سوره مانفال، آیه ۶۲.
- ۱۰ - سوره طلاق، آیه ۳.
- ۱۱ - سوره بقره، آیه ۲۵۰.
- ۱۲ - سوره آل عمران، آیه‌های ۱۴۷ و ۱۴۸.
- ۱۳ - سوره منکوت، آیه ۳۰.
- ۱۴ - سوره مومن، آیه ۲۶.
- ۱۵ - سوره بقره، آیه ۲۱۴.
- ۱۶ - سوره انفال، آیه ۴۰.
- ۱۷ - سوره دارود.

که به او یک شیشه شیر مصنوعی و پستانکها سوچ خروجی شیر وسیع ارائه دهیم و نوزاد با زحمت کمی و با مکیدن سهل تر مقداری شیر میل کند در دفعات بعد پستان مادر را رها کرده و سراز طرف پستان مادر بطرف دیگر خواهد برد. بعبارت دیگر

پستان را طرد می‌کند و خواهان شیشه است. پستانک دار با سوچ بزرگ خواهد بود. مطلب فوق بارها به ثبوت رسیده که به مادری نگران توسط پزشکی کم تجربه شیر کمکی توصیه شده است و شروع شیر کمکی سبب قطع شیر مادر و عدم علاجه نوزاد به ادامه نوشیدن شیر از پستان شده است.

شیردادن و تعیین ما بحال تقاضاوت دو وزن قبل و بعد از شیردادن که معین کننده شیر نوشیده شده توسط نوزاد است طریق دیگر برای تعیین مقدار شیر نوشیده شده توسط نوزاد می‌باشد، اما بعلل مختلف طریقه فوق توصیه نمی‌شود. زیرا دقیق نبودن ترازو و همانگونه که قبل از کفته شد تقاضا در مقدار شیر نوشیده شده در

## محض آنکه توصیه می‌شود نوزاد بعد از شیر دادن در بستر به پشت (طاق باز) خوابانیده نشود زیرا سبب تأخیر در تخلیه معده و گاهی وارد شدن محتویات معده به داخل مجاري تنفسی می‌شود

### نکته عملی

- قبل از آنکه واجع به ناکافی بودن شیر مادر قضاوت کنیم و تضمیم کنی تغایر نکات ذیل را باید در مدت نظر پیاویرم و سوالات زیر را جواب دهیم.
- ۱ - آیا اشتباهی در تکنیک شیردادن به نوزاد وجود دارد یا نه؟
  - ۲ - آیا عواملی در ارتباط با نوع غذای مادر و حالت های هیجانی و روحی ورزش مغذایی مادر و مسائلی در ارتباط با محیط زندگی مادر مثل عم و غصه، نکارانی و بیان وجود دارد یا نه؟
  - ۳ - آیا اختلالات فیزیکی در نوزاد، بیماری در نوزاد و یا نکات متذکر شده فوق وجود دارند که دخالت در نوشیدن شیر با افزایش وزن می‌کند، یا نه؟

### ادامه دارد

مراحل مختلف تغذیه نوزاد، سبب ایجاد نکارانی در مادر و اطرافیان می‌شود و ایجاد نکارانی در مادر سبب کاهش ترشح شیر در مرحله بعد می‌گردد. و بتدریج شیر مادر قطع خواهد شد.

۵ - روشنی است که مصورت آزمایشی روی نوزاد انجام می‌شود، بدین صورت که بعد از آنکه نوزاد شیر مادر را از هر دو پستان نوشید، یک شیشه پر از شیر مصنوعی به طفل ارائه می‌شود. اگر طفل از شیر مصنوعی به مقدار زیاد نوشید معلوم می‌شود که نوزاد شیر کافی از سینه مادر دریافت نکرده و هنوز گرسنه است و بقیه استهای نوزاد با شیر مصنوعی تأمین شده است. مطلب فوق را *Test Bottle* نامند.

آزمایش فوق بر روی نوزادان توصیه نمی‌شود. زیرا نوع پسر اصولاً استراحت - مطلب و بعبارت ساده تر تبلیل است. نوزادی